

گزارش

چالش قانون گزارش های مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی را معرفی، نقد و بررسی (۱۶۷) می کند

چالش تعارض منافع قانونگذار، مجری و قاضی!؟

دکتر محمدرضا ناری ایبانه

←

اشاره: مجموعه گزارش های مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، بر اساس ماده ۱ و ۲ قانون شرح وظایف مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی و به عنوان بازوی پژوهشی یکی از مطالعات انجام شده توسط همین مرکز (میزان بهره مندی از اطلاعات و تأثیر آن بر فرایند قانونگذاری)، تولیدات پژوهشی تاکنون مورد استقبال و استفاده نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرار نگرفته است و بخش محدودی از مصوبات (۳۲ درصد) با نظر دستاورد‌های مطالعاتی مرکز پژوهش ها همخوانی دارد. بدون تردید مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی در روند تحول قانونگذاری سنتی کشور نقش مهمی دارد. **چالش قانون ضمن اعلام آمادگی برای انعکاس متن جوابیه مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی پیشاپیش از حسن توجه و پیشنهادات عموم نخبگان و اندیشمندان سیاسگزار است. این نوشتار به معرفی، نقد و بررسی تعارض منافع ۲. راهکارهای پیشگیری و مدیریت منتشر شده از سوی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی می پردازد که هم اکنون از نظر خوانندگان می گذرد:**

■ معرفی گزارش

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: تعارض منافع ۲. راهکارهای پیشگیری و مدیریت شماره مسلسل: ۱۵۸۰۱ نام دفتر: مطالعات اقتصاد بخش عمومی (گروه بودجه) تهیه و تدوین کنندگان: سیدعباس پرهیزکاری، ابوالفضل رزقی همکار: مجید الماسی

ناظران علمی: محمد قاسمی، سیدمحمدهادی سبحانین، داریوش ابوحمزه اظهارنظرکننده: محمد جلال متقاضیان: رئیس مجلس شورای اسلامی، فراکسیون شفافسازی و سالم سازی اقتصاد و انضباط مالی تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۱۲/۲۲ تعداد صفحات: ۷۱ صفحه

ناشر: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

منبع: درگاه الکترونیک مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

در چکیده گزارش اینگونه آمده است: مسئله تعارض منافع مهم ترین ریشه های وقوع فساد در حاکمیت معرفی شده است و به همین دلیل، تدوین قواعد کنترل و مدیریت تعارض منافع به منظور پیشگیری از فساد مورد توجه حکومت ها بوده است. راهکارها و روش های مختلفی را میتوان برای کنترل و مدیریت تعارض منافع در تدوین و تصویب قواعد، آموزش عمومی روش های کشف و برخورد با نقض کنندگان قواعد تعارض منافع مورد بررسی قرار داد. در این گزارش به معرفی قواعد کنترل تعارض منافع در سطح اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با فعالیت های حاکمیتی پرداخته شده است. راهکارهای معرفی شده در این گزارش را می توان در دو سطح قواعد عمومی کنترل تعارض منافع و راهکارهای تغییر ساختاری قواعد به شرح زیر طبقه بندی کرد. برخی از عناوین قواعد عمومی که به کنترل و مدیریت تعارض منافع منجر خواهد شد عبارتند از:

– اعلام درآمدهای شخصی یا خانوادگی و دریافت هدایا در زمان تصدی مسئولیت،

– اعلام دارایی های شخصی و خانوادگی در زمان تصدی مسئولیت.

۲. اقرار به وجود تعارض منافع در زمان تصدی مسئولیت

– اعلام منافع شخصی مرتبط با مدیریت قراردادها،

– اعلام منافع شخصی مرتبط با تصمیم گیری و رأی گیری،

– اعلام منافع شخصی مرتبط با مشارکت در تهیه یا ارائه مشاوره سیاسی. ۳. اعمال برخی محدودیت ها برای شافلین در مناصب حاکمیتی

– محدودیت برای شغل دوم و بیشتر،

– محدودیت فعالیت در بخش خصوصی و سمن هم پس از ترک مشاغل حاکمیتی در بازه زمانی معین،

– اعمال محدودیت و کنترل برای دریافت هدایا و سایر منافع،

– عدم امکان مشارکت در تصمیم گیری در شرایط تعارض منافع،

– اعمال برخی محدودیت های شخصی و خانوادگی در مالکیت شرکت های خصوصی،

– بی بهره سازی مالی مسئولین از نتایج سیاست گذاریشان (استفاده از وکیل ناشناس برای مدیریت اموالی که ممکن است تحت تأثیر تصمیمات سیاسی مسئولین باشند).

– برخی از راهکارهای ساختاری که به مدیریت و کنترل تعارض منافع منجر خواهند شد عبارتند از:

(الف) متأثر کردن قاعده گذار از نتایج اجرای قواعد (هم راستا کردن منفعت عمومی با منفعت قاعده گذار) یا تفکیک قاعده گذار و مجری،

(ب) تفکیک میان مقام نظارت کننده و نظارت شونده و قاضی و متهم،

(ج) برطرف کردن تعارض درآمد – وظایف (برای مثال تعیین منبع درآمد دیگری غیر از فروش تراکم برای شهرداری ها یا مستقل کردن بودجه قوه قضائیه از تعداد پرونده های ورودی)،

(د) برطرف کردن تعارض وظایف (به نحوی که تمرکز بر انجام یک وظیفه مانع تحقق سایر وظایف نگردد)،

(ه) تغییر قواعد در فرآیندهای کارشناس محور (امضای طلایی) به طوری که در مواردی که به دلایل مختلف، استفاده از تشخیص کارشناس (امضای طلایی) برای پناپذیر است، امکان وقوع فساد کاهش یابد.

برخی از راهکارهای این شیوه عبارتند از:

– اصلاح نظام جریمه و مجازات به نحوی که بازدارندگی مجازات احتمالی بیش از منفعت به دست آمده از فساد باشد.

– قطع رابطه کارشناس با متقاضی و کم کردن امکان تبانی به نحوی که کارشناس نتواند در فرآیند کارشناسی به صورت جانبدارانه رفتار کند یا از افراد تقاضای رشوه نماید. (مثال ساده ای از استفاده از این راهکار را می توان در تصحیح اوراق امتحان های نهایی مشاهده کرد که در آن سربرگ از سوالات جدا می شود. اما متأسفانه در برخی از موارد مهم مانند کارشناس دادگستری، محیط زیست، شهرداری و ممیزین مالیاتی از این راهکار استفاده نمی شود).

– شفاف و حافظه دار کردن ادله و نتایج فرآیندهای کارشناسی به نحوی که در هر زمان بتوان بررسی کرد که یک کارشناس در موارد مختلف چه تصمیماتی اتخاذ کرده است و آیا موارد مشابه به تصمیمات مشابهی منتهی شده است یا خیر.

– متأثر کردن کارشناسان از نتیجه عمل و بحث مخاطرات اخلاقی. برای مثال اگر مؤسسات کارشناس قیمت گذاری سهام، درصدی از قیمت

کارشناسی را به عنوان دستمزد دریافت کنند و ملزم باشند که در صورت فروش نرفتن سهام عرضه شده، باقیمانده سهام را خریداری کنند می توان انتظار داشت که قیمت تخمین زده شده، درست و دقیق باشد.

۴. تغییر قواعد و خروج از سیستم کارشناس محور

یکی دیگر از راهکارهای پیشگیری از تعارض منافع تغییر قواعد بهنجوی است که دیگر نیازی به واگذاری اختیار به کارشناسان و ایجاد شرایط امضای طلایی نباشد برخی از راهکارهایی که می توان بدین منظور در شرایط مختلف از آنها استفاده کرد عبارتند از:

– استفاده از انگیزه های رقیب: (برای مثال متداول استفاده از این راهکار می توان به سازوکار مزایده و مناقسه اشاره کرد که به حذف نیاز به کارشناس قیمت گذاری منجر خواهد شد. از این ایده می توان در فرآیندهای کارشناسی مربوط به گمرک نیز استفاده کرد)

– جمع سپاری یا برون سپاری کار به آحاد مردم: با استفاده از این روش در امر نظارت، می توان با شکستن انحصار ناظران، امکان تبانی را از بین برد و در مواردی از فرآیندهای کارشناس محور بی نیاز شد. برای مثال می توان بررسی رعایت یا عدم رعایت استاندارد در تولید کالاها را جمع سپاری کرد. بدین ترتیب که طی فراخوان عمومی اعلام می شود که به هر فردی که بتواند عدم رعایت استانداردها را اثبات کند پاداش داده خواهد شد. در این شرایط هر آزمایشگاهی می تواند ابزاری برای بررسی عدم رعایت استاندارد باشد. – گذاشتن قواعد خودکنترلی: تدوین قواعدی که بعد از طراحی، به صورت مستقل از نظرات کارشناسان، قابلیت تنظیم گری دارند یکی دیگر از راهکارهای پایه ای مدیریت تعارض منافع در مسائل کارشناس محور است. برای مثال می توان به استفاده از این قاعده مینا در محاسبه هزینه های مصرف انرژی واحدهای صنعتی اشاره کرد به طوری که واحدهایی که میزان مصرف انرژی به مقدار محصول تولیدی اعلامی به سازمان امور مالیاتی آنها بیشتر از میانگین است، جریمه شده و قیمت بیشتری پرداخت خواهند کرد و واحدهایی که این نسبت در آنها کمتر از میانگین است قیمت کمتری برای انرژی پرداخت کنند.

در این گزارش تلاش شده است ضمن معرفی هر یک از این موارد، تجارب سایر کشورها در استفاده از این راهکارها نیز مرور شود، به علاوه با استفاده از گزارش های بانک جهانی، میزان فراگیری راهکارهای مذکور در بین ۹۰ کشور نشان داده شده است.

در مقدمه گزارش اینگونه آمده است: تعارض منافع مجموعه ای از شرایط است که موجب می شود تصمیمات اقدامات حرفه ای، تحت تأثیر یک منفعت ثانویه قرار گیرد. راهنامی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی نیز، تعارض منافع را تعارضی میان وظایف دولتی و منافع خصوصی مأمورین دولتی تعریف می کند، به طوری که این منافع بتواند به صورت ناصحیحی وظایف آنها را تحت تأثیر قرار دهد. این تعاریف حکایتی از آن دارد که تعارض منافع شاکله اصلی وقوع فساد است و مبارزه با آن بهنوعی تلاش برای پیشگیری از وقوع مفاسد خواهد بود. لذا بسیار مهم و ضروری است که راهکارهای کنترل و مدیریت تعارض منافع شناسایی شوند و متناسب با موقعیت های مختلف از آنها استفاده شود. شایان ذکر است راهکارهای مدیریت و کنترل تعارض منافع در مراحل مختلف قاعده گذاری، کشف تخلفات و برخورد با متخلفین نقش کننده مقررات مدیریت تعارض منافع قابل بررسی است. در این گزارش تلاش شده است که راهکارهای مربوط به هر مرحله قاعده گذاری مدیریت تعارض منافع معرفی شود. البته این موضوع نفی کننده اهمیت سایر مراحل نیست. از این رو، علاوه بر تدوین قواعد مدیریت تعارض منافع، حمایت و تشویق گزارش دهندگان تخلف به عنوان راهکاری مؤثر در مرحله کشف و ایجاد ساختار مستقل قضاوت به عنوان راهکاری مؤثر در مرحله برخورد با متخلفین باید مورد توجه قرار گیرند. بر اساس قرار گرفتن شخصیت های حقیقی و حقوقی در موقعیت های تعارض منافع، مسئله بروز تعارض منافع را می توان در دو سطح بررسی کرد:

۱. تعارض منافع در اشخاص حقیقی،

۲. تعارض منافع در اشخاص حقوقی (سازمان ها).

با توجه به گستره مسئله تعارض منافع و تنوع عوامل ایجادکننده آن، می توان از راهکارهای مختلفی به منظور پیشگیری و مدیریت این موضوع استفاده کرد. در برخی از موارد که تعارض منافع بسر مبنای ویژگی ها و تعاملات اشخاص حقیقی و حقوقی به وجود آمده است تغییر شخصیت حقیقی و حقوقی قرارگرفته در آن جایگاه یا ایجاد محدودیت و شفافیت می تواند تعارض منافع را از بین ببرد. این راهکارها به صورت عمومی قابل تجزیه هستند و در این موارد می توان به راحتی از تجربیات سایر کشورها استفاده کرد. در این گزارش نیز انواع مختلفی از این راهکارها معرفی شده و میزان استفاده از آنها در کشورهای مختلف نیز گزارش شده است.

در جمع بندی و پیشنهادهای گزارش اینگونه آمده است: بررسی ها نشان می دهد که مدیریت و پیشگیری از تعارض منافع به عنوان راهکاری مؤثر جهت جلوگیری از فساد در کشورهای مختلف مورد توجه سیاست گذاران قرار دارد و قواعد و سازوکارهای متعددی برای پیشگیری از انواع تعارض منافع طراحی شده است. این سازوکارها در سطوح مختلف با استفاده از شفافیت، اقرار به وجود تعارض منافع، محدودیت و تغییر قواعد ساختاری، تلاش می کنند که مخاطرات و آسیب های ناشی از تعارض منافع در مقامات، کارکنان و مسئولین حاکمیتی و سازمان ها یا بنگاه هایی که به بخش حاکمیتی خدمات ارائه می دهند را کاهش دهند. در نظام قانونی ایران هر چند که در برخی قوانین به صورت موردی اقدام به کنترل برخی از جوانب تعارض منافع شده است، اما می توان گفت که به صورت مستقیم و فراگیر مسئله تعارض منافع مورد توجه قرار نگرفته است. بدین علت، نیاز است که با استفاده از تجربیات سایر کشورها که بخشی از آن در این گزارش منعکس شد و با توجه به ویژگی های ساختار حاکمیت و شرایط اقتصادی- اجتماعی، تلاش گردد قوانین و مقررات ناظر به مسئله تعارض منافع تدوین شود. قوانین و قواعد کنترل تعارض منافع باید در دو سطح عمومی و اصلاح ساختاری به کنترل تعارض منافع پردازد. در سطح عمومی باید آسیب های ناشی از سهامداری، مالکیت شرکت های خصوصی، دربرگردان ... در بین مسئولین و کارکن حاکمیت و سازمان ها و شرکت هایی که به ارائه خدمات به بخش حاکمیتی اقدام می کنند کنترل شود. با توجه به تجربیات سایر کشورها می توان راهکار دستت یابی به این هدف را در دو سه محور ایجاد شفافیت (اعلام منافع)، اقرار به تعارض منافع و اعمال محدودیت جستجو کرد. در سطح اصلاحات ساختاری، باید ساختارهای فسادزایی که به ایجاد شرایط امضای طلایی، اتحاد قاعده گذار و مجری یا اتحاد ناظر و نظارت شونده منجر می شود، یا موجب بروز پدیده تعارض درآمد و وظایف می گردد، اصلاح شود و با تدوین قواعد پایه، از ایجاد دوباره چنین ساختارهای فسادزایی جلوگیری به عمل آید.

■ ارزیابی بخش های گزارش

(الف) عنوان

– آیا عنوان گزارش بیان گر اهمیت موضوع آن است؟ بله

– آیا محتوای گزارش در راستای بحث و بررسی پیرامون عنوان تهیه و ارائه شده است؟ خیر

– آیا نام دست اندرکاران تهیه و انتشار گزارش بطور کامل شامل نام و نام

خانوادگی، رتبه علمی، محل کار و نشانی پست الکترونیک در گزارش قید شده است؟ خیر

(الف) چکیده

– آیا چکیده دقیقاً اینه تمام نمای مطالعه است؟ بله

– اگر چکیده به تنهایی مورد بررسی قرار گیرد، آیا به اندازه کافی خلاصه و چکیده کل مقاله است؟ بله

– آیا چکیده گزارش دارای بخش واژگان کلیدی است؟ خیر

(ب) فهرست

– آیا گزارش دارای فهرست اجمالی و تفصیلی است؟ گزارش دارای فهرست اجمالی است.

– آیا جدول ها، نمودارها و تصاویر دارای فهرست جداگانه اند؟ خیر

– آیا گزارش دارای فهرست اعلام و اشخاص، مکان ها و ... است؟ خیر

(پ) مقدمه

– آیا مقدمه، توجیه منطقی از مطالعه و یا هدف از مقاله (بیانی از مشکل موجود و بررسی متون) را شامل می شود؟ بله

– آیا اهداف مطالعه به وضوح شرح داده شده است؟ بله

– آیا از واژگان کلیدی و اصطلاحات مهم گزارش تعاریف مشخص ارائه شده است؟ خیر

– آیا پیشینه تاریخی بحث مورد نظر در منابع معتبر داخلی و خارجی در گزارش مطرح شده است؟ خیر

(ت) روش کار

– آیا روش های معتبر و قابل اعتماد استفاده شده است؟ روش گزارش توصیفی و اکتباسی است.

– آیا روش های انتخاب شده توسط نویسندگان قادر به پاسخ به سوالات تحقیق می باشد؟ خیر

– آیا روش های مورد استفاده به وضوح شرح داده شده اند؟ خیر

– اگر یک مطالعه تحقیقاتی مشابه توسط محققین دیگری انجام شود، می تواند همین نتایج را در پی داشته باشد؟ خیر

(ث) یافته ها

– آیا یافته ها به خوبی سازماندهی شده است؟ خیر

– آیا نتایج به وضوح شرح داده شده است؟ خیر

– آیا روش های آماری مناسب انتخاب شده است؟ خیر

– راستی آزمایی نتایج گزارش از طریق کدام آزمون انجام شده است؟ گزارش فاقد آزمون های راستی آزمایی است.

– آیا نتایج گزارش از رویی و پایایی قابل قبول برخوردار است؟ خیر

(ج) بحث

– آیا نتایج مهم به اختصار بیان شده است؟ خیر

– آیا مدل پیشنهادی مشخصاً بیان کرده اند که فرضیه آنها در این مطالعه ثابت شده یا نه؟ خیر

– آیا یافته های این مطالعه با مطالعات مشابه پیشین در این زمینه مقایسه شده است؟ خیر

– آیا محدودیت های مطالعه ذکر شده است؟ خیر

– آیا برای انجام پژوهش های بعدی پیشنهاداتی ارائه شده است؟ خیر

(چ) جدول ها، نمودارها و تصاویر

– آیا مدل مفهومی گزارش در قالب شکل ارائه شده است؟ خیر

– آیا جدول ها، نمودارها و شکل ها ویژگی های کلیدی مطالعه را نشان می دهند؟ گزارش فاقد جدول، نمودار و شکل است.

– آیا تصاویر، جدول ها و نمودارها شفاف و قابل فهم هستند و دارای بالونیس و زیرنویس مناسب می باشند؟ گزارش فاقد جدول، نمودار و شکل است.

(ح) پیوست ها

– آیا پیوست های گزارش حاوی اطلاعات مفید است؟ گزارش فاقد پیوست است.

– آیا پیوست ها به کسب آگاهی بیشتر در مخاطبان کمک می کند؟ گزارش فاقد پیوست است.

– آیا پیوست ها حاوی فرم ها و اسناد مرتبط با گزارش است؟ گزارش فاقد پیوست است.

(خ) منابع

– آیا منابع کافی برای اهداف این مطالعه در جامعه وجود دارد؟ بله

– آیا سبک نوشتن منابع منطبق با دستورالعمل های علمی است؟ بله

– آیا منابع مهم و کلیدی به روز بوده اند و با دقت گزارش شده اند؟ خیر

– شیوه ارائه مستندات و ارجاعات در گزارش چگونه است؟ بصورت پاورقی

– آیا گزارش منابعی برای مطالعه بیشتر مخاطبان ارائه کرده است؟ خیر

– آیا گزارش از منابع بین بخشی و بین رشته ای داخلی و خارجی معتبر استفاده کرده است؟ خیر

■ ارزیابی محتوای گزارش

(الف) سامان مندی

– آیا گزارش یک کل سامان مند را تشکیل می دهد؟ خیر

– آیا گزارش برای ساماندهی محتوایی خود مدل مفهومی ارائه کرده است؟ خیر

(ب) نوآوری

– آیا گزارش دارای فرضیه یا فرضیه هایی با سوالات مشخص است؟ خیر

– آیا عناوین موجود در گزارش دارای انسجام و هماهنگی است؟ خیر

– آیا بسط و توضیح مطالب در هر پاراگراف، بخش، فصل و ... در گزارش انجام شده است؟ خیر

– آیا در پایان هر فصل، بخش و ... مؤلف به جمع بندی مطالب پرداخته است؟ خیر

– آیا گزارش دارای بخش نتیجه گیری یا جمع بندی نهایی است؟ بله

(ب) نوآوری

– آیا محتوای گزارش دارای سطح خاصی از نوآوری در نظریه پردازی و اندیشه ورزی است؟ خیر

– آیا گزارش مدعی صورت بندی جدید از مبانی نظری قدیمی است؟ خیر

– آیا در گزارش توانایی های نوین فناوریانه وجود دارد؟ خیر

– آیا گزارش مدعی ارائه محصولات یا خدمات جدید است؟ خیر

– آیا محتوای گزارش دارای توانایی خاص در ایجاد یا گسترش گفتمان اجتماعی را دارد؟ خیر

– آیا خواندن این گزارش تفکر نقادانه را ترغیب می کند؟ خیر

(پ) اهمیت

– آیا نسبت حجم مطالب به اهمیت موضوع در گزارش کافی است؟ خیر

– آیا چنین مطالب در گزارش بر اساس درجه اهمیت موضوعات و وزن

محتوایی آنها انجام شده است؟ خیر

– آیا در نگارش مطالب در گزارش به موضوعات اولویت دار توجه شده است؟ خیر

(ت) شیوایی، روشنی و قابل فهم بودن

– آیا متن گزارش روان و سلیس است؟ بله

– آیا در گزارش مطالب به روشنی توانسته اند موضوعات مرتبط با خود را

مطرح کنند؟ خیر

– آیا گزارش ساده و قابل فهم است؟ بله

(ث) جامعیت

– آیا گزارش به لحاظ موضوعی جامعیت دارد و وجوه مختلف موضوع را پوشش می دهد؟ خیر

– آیا استفاده از تصاویر، نمودارها، جدول ها و ... توانسته است به همه جانبه بودن گزارش کمک کند؟ خیر

– آیا مؤلف از ساختارها و کلمات رایج در متون علمی و نیز سبک نویسندگی استفاده کرده است؟ خیر

– آیا گزارش از ویژگی های بینامتنی برخوردار است؟ خیر

– آیا گزارش برای کمک به درک جامع، الگو یا مدلی خاص برای ساده سازی روابط پدیده مورد نظر با سایر پدیده ها ارائه کرده است؟ خیر

(ج) اعتبار

– آیا گزارش مبتنی بر پژوهش های روزآمد حوزه تخصصی مربوطه است؟ خیر

– آیا شواهد، منابع و استدلال های موجود در گزارش از اعتبار علمی لازم و کافی برخوردار است؟ خیر

– آیا اعتبار علمی گزارش از سوی یافته های پژوهشی معتبر داخلی و خارجی تایید می شود؟ خیر

■ ارزیابی اجتماعی گزارش

(الف) مخاطبان و ذینفعان

– مخاطبان و ذینفعان این گزارش چه کسانی هستند؟ نمایندگان مجلس شورای اسلامی

– آیا انتشار این گزارش مورد استقبال مخاطبان و ذینفعان قرار گرفته است؟ نامشخص

– آیا این گزارش مخاطبان را به پژوهش بیشتر در رابطه با موضوع تخصصی ترغیب می کند؟ نامشخص

– آیا گزارش حاضر توانایی برطرف کردن نیازهای مخاطبان و ذینفعان خود را دارد؟ نامشخص

(ب) تاثیرگذاری اجتماعی

– آیا گزارش در بحث پیرامون پدیده مورد نظر خود از جامعه نگرى قابل قبول برخوردار است؟ خیر

– آیا گزارش پیش نیازها و مشکلات زندگی مردم برای فهم خود را به مخاطبان ارائه کرده است؟ خیر

– آیا گزارش برای ارائه کرده است؟ خیر

– آیا گزارش برای حل مشکلات زندگی مردم روش راستی آزمایی خاصی را پیشنهاد کرده است؟ خیر

– آیا گزارش توانسته است اهداف اجتماعی از پیش تعیین شده خود را محقق سازد؟ خیر

– آیا ناشر مجموعه نظرات مخاطبان و بازخوردهای جماع علمى را پیرامون گزارش منتشر کرده؟ گزارش است؟ خیر

– آیا گزارش نسبت خود را با اسناد فرادست و فرودست کشور معین کرده است؟ خیر

– آیا گزارش مطالبی پیرامون کارآمدی و عملکرد قوانین مرتبط با موضوع بحث خود را ارائه کرده است؟ خیر

– آیا انتشار این گزارش بزاتپ های رسانه ای گسترده در پی داشته است؟ خیر

(پ) نیازمحوری

– این گزارش چه نیازی (بنیادی، تخصصی، درسی، کمک درسی و عمومی) را تأمین خواهد کرد؟ نیازهای عمومی

– آیا گزارش توانایی علمی و عملی برای تفکیک نوع نیازهای مخاطبان (خلاهـ، اولویتـ، تهدیدها، آسیب ها، ضعف ها، فرصت ها، قوت ها، ضرورت ها و باولویت ها) و برنامه ریزی و اجرای برنامه های متناسب با آن را (برنامه های ایجادى، جبرانى، پیشگیرانه، مقابله ای، تقوینى، توانمندسازى، ارتقائى، تأمینى و انتخابى) دارد؟ خیر

– آیا توانایی هدف گذاری، راهبرد گذاری، سیاستگذاری و سازماندهی مرتبط با موضوع برای رفع سطوح گوناگون نیازهای مخاطبان در گزارش وجود دارد؟ خیر

(ب) رتبه ها و جوایز

– آیا گزارش دارای رتبه و جوایز ملی و بین المللی است؟ خیر

– آیا گزارش دارای ارجاعات داخلی و خارجی از سوی منابع علمی معتبر است؟ خیر

(ت) تقدیر و تشکر

– آیا در گزارش از شخصیت های حقیقی و حقوقی مؤثر در کار (اعم از امور علمی و فنی و...) سیاستگزاری شده است؟ خیر

– آیا گزارش در مجامع علمی داخلی و خارجی مورد تقدیر قرار گرفته است؟ خیر

■ ارزیابی های شکلی گزارش

(الف) ویراستاری فنی

– آیا تعداد کلمات و صفحات گزارش برای بیان کامل موضوع گزارش کافی است؟ خیر

– آیا عنوان گذاری اصلی و فرعی در گزارش به درستی انجام شده است؟ خیر

– آیا نوع صفحه آرایی (نوع و اندازه خط، فاصله حاشیه ها، سرفصله ها، پاروقی و ...) گزارش مناسب است؟ خیر

– آیا آیین نگارش واژگان و جملات بر اساس زبان فارسی معیار در تدوین گزارش رعایت شده است؟ خیر

– آیا در گزارش بـرای واژگان و اصطلاحات علمی بیگانه، معادل سازی مناسب انجام شده است؟ خیر

– آیا نشانه گذاری در گزارش (مانند ویرگول، نقطه، خط تیره، ویرگول نقطه و پرانتز و ...) به درستی انجام شده است؟ خیر

(ب) ویراستاری علمی

– آیا گزارش دارای ناظر یا ویراستار تخصصی است؟ بله

– آیا ناظر یا ویراستار تخصصی به وظایف خود عمل کرده است؟ خیر

– آیا محتوای گزارش نیاز به حذف مطالب دارد؟ بله

– آیا محتوای گزارش نیاز به اضافه کردن مطالب دارد؟ بله

– آیا گزارش حاضر نیاز به ویراستاری ادبی دارد؟ بله

(ج) ویژگی های خاص

– آیا گزارش دارای ویژگی های خاص مانند کادر های خلاصه پیام، سخنان بزرگان، تاریخچه و... است؟ خیر

– آیا گزارش دارای صفحه شناسنامه است؟ بله